

## Artistic and Educational Functions of Allegory

Sardar Bafekr 

Ph.D. in Persian Language and Literature, Azarbaijan  
Shahid Madani University, Tabriz, Iran

### Abstract


One of the important tools that the author of educational literature uses to explain and interpret moral and mystical ideas and to convey his content to the audience is allegory. In the allegory of the writer and poet, he first expresses general and abstract concepts, which are often rational and news-type, and then gives a literary example and reason to make them tangible and objective and to prove his claim. In the sense that their reasoned words are simple and understandable with the explicit conclusion, he has a profound effect on the reader. All kinds of allegories are powerful tools of illustration and de-familiarization and the origin of creating novel themes, and since in these literary techniques, positive images serve to convince the audience, the method of argumentative expression is superior to artistic expression. In this article, the artistic, educational, and training functions of various types of allegory have been reviewed. The research is based on the application of examples of this literary array in important educational works and Indian styles and considering the views of experts and the author's personal perception of this rhetorical art. The general conclusion of the article is that the abundant use of different forms of allegory is one of the secrets of beauty and taste and the effect of the language of educational and Indian literary works on the reader, and this has made the contents so popular that the readers accept the meanings and concepts wholeheartedly and without any question.

**Keywords:** Allegory, Literary Arts, Education, Educational Literature, Indian Style.

Corresponding Author: sardar.bafekr@azaruniv.edu.ac.ir

**How to Cite:** : Bafekr, S. (2023). Artistic and Educational Functions of Allegory. *Literary Text Research*, 26(94), 323-352. doi: 10.22054/LTR.2020.42784.2704

## کارکردهای هنری و تعلیمی تمثیل

سردار بافکر\*  \* دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه شهید مدنی آذربایجان، تبریز، ایران

### چکیده

یکی از ابزارهای مهمی که نویسنده ادب تعلیمی در جهت توضیح و تفسیر ایده‌های اخلاقی و عرفانی و القای مطلب خود به مخاطب از آن یاری می‌گیرد تمثیل است. در تمثیل نویسنده و شاعر ابتدا مفاهیم کلی و انتزاعی را که غالباً عقلی و از نوع خبری هستند، بیان می‌کند و بعد برای ملموس و عینی کردن آن‌ها و اثبات ادعای خود، مثال و دلیلی ادبی می‌آورد و از این نظر که سخنان مستدل آن‌ها ساده و قابل فهم است و با صراحت به نتیجه‌گیری می‌پردازد، تأثیر عمیقی بر خواننده می‌گذارد. انواع تمثیل از ابزارهای قوی تصویرگری و آشنایی‌زدایی و منشأ خلق مضامین بدیعی هستند و از آنجا که در این شگردهای ادبی، تصاویر اثباتی در خدمت اقناع مخاطب است، شیوه بیان استدلالی بر بیان هنری برتری دارد. در این جستار کارکردهای هنری و تعلیمی و تربیتی انواع گوناگون تمثیل، مورد نقد و بررسی قرار گرفته است. پژوهش، بر اساس نحوه کاربرد مصداق‌های این آرایه ادبی در آثار مهم تعلیمی و سبک هندی و ملاحظه دیدگاه‌های صاحب‌نظران و دریافت شخصی نگارنده از این هنر بلاغی صورت گرفته است. نتیجه کلی مقاله این است که به کار بردن فراوان شکل‌های مختلف تمثیل، یکی از رازهای زیبایی و ذوق‌پسندی و تأثیر زبان آثار ادبی تعلیمی و سبک هندی بر خواننده است و همین امر سبب شده مفردات نغز آن‌ها بر سر زبان‌ها بیفتد و خوانندگان معانی و مفاهیمی را که در این بیت‌ها ذکر شده‌اند از جان و دل و بدون چون‌وچرا بپذیرند.

کلیدواژه‌ها: تمثیل، هنرهای ادبی، تعلیم و تربیت، ادبیات تعلیمی، سبک هندی.

## مقدمه

تمثیل‌ها، سخنان موجز و لطیف و با محتوای بسیار عمیق هستند که در بافت آن‌ها عصارهٔ تجربیات بشری به صورت فشرده نهفته شده است بنابراین تمثیل‌ها، نمونه‌های بارز «خَيْرُ الْكَلَامِ مَا قَلَّ وَ دَلَّ»، «لفظ اندک و معنی بسیار» به‌شمار می‌آیند. بین تمثیل و تعلیم رابطهٔ انکارناپذیری برقرار است به‌گونه‌ای که اکثر متون تمثیلی را می‌توان تعلیمی نامید و تمثیل را جزء ذات متون ادبی تعلیمی به‌شمار آورد. گویندگان ادب تعلیمی در راستای دست‌یابی به اهداف و افزایش تأثیرگذاری کلام اندرزی خود، از صورت‌های متنوع تمثیل بهره می‌گیرند. تمثیل برای روشنگری و ایضاح بیشتر یک موضوع تعقلی و تقریباً مبهم است که شاعران و نویسندگان با این تصاویر، در پی استدلال‌گری و اقناع مخاطب خویش هستند.

تمثیل گاهی برای تشویق و ترغیب و گاهی برای تحذیر و هشدار مخاطب به‌کار می‌رود. انتقال آموزه‌ها و آزموده‌ها در بافتی تصویری و روایی به قصد تأثیرگذاری پایدار و افزودن بر دامنهٔ تجربیات و تعلیمات مخاطب، خاصیت دیگری است که از طریق مضمون‌ها و نتایج مندرج در ساختار بیت‌ها و داستان‌های تمثیلی حاصل می‌شود و حتی این هنر بیانی در ذات خود تمایل به سرگرمی و تفریح در مخاطب را پاسخ می‌گوید. یکی از عمده‌ترین کارکردهای تمثیل در شعر سبک هندی خلق تصاویر اثباتی و مجسم کردن آن‌ها در ذهن مخاطب است تا به یاری آن، لذت حاصل از فهم و ادراک را به خواننده عطا کرده باشند. تصاویر اثباتی تمثیل‌ها آن‌قدر زیبا هستند که توجه خواننده را به‌سوی خود جلب و شگفتی او را برمی‌انگیزند و چون خواننده برای کشف تصاویر پنهان شده در ورای پردهٔ تمثیلات، کنجکاوی و تلاش زیادی می‌کند از کشف تصاویر، لذت می‌برد و پیام آن تصاویر در ذهنش ماندگار شده، بزودی فراموش نمی‌شود.

## بیان مسئله، سؤالات، اهداف و ضرورت پژوهش

تمثیل مطالب عقلانی را به‌صورت محسوس درمی‌آورد و هدفش بیان و آشکارسازی آن است بنابراین تمثیل خاصیت تعلیمی دارد و پدیدآورندگان آثار تعلیمی برای تقریر و توضیح مطلب اخلاقی خود یا ایضاح و تثبیت آن در ذهن مخاطب از این ابزار کارآمد بهره

می‌جویند. گویندگان ادب تعلیمی با تمثیل، بر مفاهیم اخلاقی که غالباً مطلبی معقول و غیر حسی‌اند تأکید کرده، با تصریح آن، مخاطبان خود را که غالباً از مردمان عامی‌اند، متوجه آن می‌کنند. استفاده از این شیوه ادبی در آثار ادبی تعلیمی، تعلیم و پند و اندرزهای اخلاقی را حلاوت بخشیده و تأثیرگذاری آن‌ها را دوچندان ساخته است. بلاغت و مقتضای حال در ادب تعلیمی حکم می‌کند که کلام به صراحت و به‌دوراز دوگانگی بیان شود تا پند و اندرز گوینده در مخاطب اثر کند. به همین خاطر در همه انواع تمثیل از روش همسانی برای اثبات یک موضوع استفاده شده که عبارت است از: طرح صریح یک ادعا و موضوع، سپس آوردن مثال تصویری برای استدلال و اثبات و در نهایت، نتیجه‌گیری مطلوب.

فلسفه و ضرورت بیان تمثیلی چیست؟ انواع تمثیل چه کاربردهایی در ادب تعلیمی و سبک‌های هندی دارند؟ رمز و راز تأثیر این هنر ادبی در چیست؟ چرا باید واقعیت را به صورت تمثیل و غیرمستقیم بیان کرد؟ سؤالات و ابهاماتی از این قبیل در آثار مهم ادب فارسی تدوین چنین مقاله‌ای را اقتضا می‌کرد. در عصر سانسور و دیکتاتوری گاهی مصلحت در عدم تصریح است و باید حقایق در پشت نقاب سمبل و تمثیل پنهان شوند. شناختن توان و قابلیت‌های تمثیل در بیان روشن و زیبای اندیشه‌های پیچیده، امروزه یک نیاز فرهنگی مهم است و از این گذشته می‌تواند موجب احیاء فرهنگ زبانی گذشته ما گردد. آشنایی با کارکردهای هنری و تعلیمی انواع تمثیل در نگاه علمی و تخصصی به ادبیات و درک دقیق‌تر زیبایی‌های نهفته در شعر فارسی کمک می‌کند و نشان می‌دهد که زبان فارسی از چه ظرفیت‌های فراوانی برای بیان ادبی و هنری برخوردار است. همچنین ما را در نقد و بررسی اندیشه و زبان شعری شاعران و شناخت بهتر بسیاری از آثار ادبی تعلیمی و سبک‌های هندی یاری می‌کند.

### پیشینه پژوهش

از مهم‌ترین و معتبرترین تحقیقاتی که در حوزه انواع تمثیل منتشر شده می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: «تمثیل (ماهیت، اقسام، کارکرد)» از فتوحی، نگارنده در این پژوهش، تعاریف بلاغیان قدیم و جدید از تمثیل را مورد کاوش قرار داده و با بیان تفاوت‌های آن با استعاره

و نماد، قلمروهای تمثیل را مشخص کرده است. (ر.ک: فتوحی، ۱۳۸۴) رحیمی و محمدزاده (۱۳۸۹) در مقاله «اهداف و ابزارهای کاربرد تمثیل در دیوان خاقانی»، ضمن پرداختن اجمالی به تعریف‌های مختلف تمثیل، اشعار خاقانی را از این جنبه در دو مقوله اصلی؛ یعنی اهداف و همچنین ابزار کاربرد تمثیل بررسی کرده‌اند. «تمثیل و تصویری نواز کارکردها و انواع آن» شیری (۱۳۸۹)، در این تحقیق از انواع تمثیل یک تقسیم‌بندی جدیدی عرضه شده است. «تمثیل، تصویر یا صنعت بدیعی؟» مرتضایی (۱۳۹۰)، در این مقاله سعی شده ضمن نقل و نقد دیدگاه‌ها و تعاریف مختلف از تمثیل، تعریفی دقیق از انواع تمثیل ارائه گردد و مشخص شود که تمثیل از شاخه‌های تشبیه است و ذیل علم بیان جای می‌گیرد. «بررسی کارکرد تمثیل در آثار ادبی تعلیمی» وفایی و آقابابایی، یافته‌های این تحقیق بیانگر آن است که کاربرد فراوان تمثیل در آثار ادبی تعلیمی حاکی از ارتباطی دوسویه میان تعلیم و تمثیل است به گونه‌ای که گوینده با تمثیل، بر مفاهیم اخلاقی که غالباً مطلبی معقول و غیرحسی‌اند تأکید کرده، با تصریح آن، مخاطبان خود را که غالباً از مردمان عامی‌اند، متوجه آن می‌کند. (ر.ک: وفایی و آقابابایی، ۱۳۹۲)

«نقش تمثیل در داستان‌های مثنوی معنوی» نظری (۱۳۹۳)، در این مقاله انواع تمثیل در اشعار مثنوی با توجه به تقسیم‌بندی غربیان با زیرمجموعه‌های، فابل، پارابل، اگزومپلوم، با ذکر نمونه‌هایی بررسی شده است. حکیم‌آذر (۱۳۹۵/۱) در مقاله «بحث در تشبیه تمثیل و کارکرد آن در غزل صائب تبریزی»، به بررسی غزل‌های صائب از لحاظ کاربرد انواع تشبیه تمثیل و کارکردهای آن پرداخته و با در نظر گرفتن ساختار بلاغی ابیاتی که تشبیه تمثیلی دارند، نوع جملات آن‌ها را از نظر خبری یا انشایی بودن مشخص کرده است؛ بنابراین در هیچ‌یک از این آثار به‌طور کامل به کارکردهای هنری و تعلیمی انواع گوناگون تمثیل اشاره نشده و ضرورت دارد که در این باره تحقیق و پژوهشی مستقل و مفصل انجام گیرد.

## ۱. تمثیل

تمثیل در لغت به معنای مثل آوردن، تشبیه کردن چیزی به چیز دیگر و عبرت دیگران گردانیدن است و در اصطلاح آن است که شاعر یا نویسنده به تناسب سخن خویش و برای اثبات و قبولاندن موضوع ذهنی و عقلی خود به مخاطب، حکایت و داستان یا مثال و نمونه‌ای عینی و محسوس ذکر می‌کند و مدّعی شباهت میان آن دو است تا از این طریق، مفاهیم و نظریات خود را به خواننده یا شنونده منتقل نماید. (ر.ک: مرتضایی، ۱۳۹۰) با توجه به آنچه در کتاب‌های قدیمی علوم بلاغی آمده، تمثیل در اصل نوعی تشبیه مرکب است که در آن شاعر مطلب مدنظر خود را با نمونه‌ای از موضوعی از پیش اثبات شده و محسوس در نظر عموم مردم و خوانندگان پیوند می‌زند و به نوعی مطلب مدنظر شاعر، نقش مشبّه و نمونه ذکر شده، نقش مشبّه‌به را ایفا می‌کند. در واقع شاعر باورهای پذیرفته شده نزد همگان را در لباسی از شعر بیان می‌دارد و دست به آفرینش مطلبی می‌زند، ضمن اینکه بحث خود را نیز به کرسی اثبات می‌نشانند. (ر.ک: جرجانی، ۱۳۷۴) به تعبیری دیگر هرگاه برای تأیید یا روشن شدن مطلبی (معمولاً پیچیده) آن را به موضوعی ساده‌تر تشبیه کنیم یا برای اثبات یا تأکید موضوع و مدّعی ذهنی یا انتزاعی، مثال و شاهدی رایج و مشهور بیاوریم آرایه تمثیل را به کار گرفته‌ایم. آنچه در این میان مهم است نتیجه تمثیل می‌باشد که می‌تواند سرمشقی برای موارد متفاوت باشد. (ر.ک: شیری، ۱۳۸۲) مثال:

مقدار یار هم نفس چون من نداند هیچکس ماهی که بر خشک افتد قیمت بداند آب را  
(سعدی، ۱۳۸۱: ۴۱۴)

دل چه می‌داند که قدرش چیست، در دیوان عشق یوسف نادیده مصر، از قیمت خود غافل است  
(صائب، ۱۳۷۵: ۵۱۸/۲)

در این بیت‌ها شاعران در یک مصراع مطلب مورد نظر خود را بیان کرده و در مصراع دیگر برای توضیح بیشتر آن و اثبات ادعای خود، مثالی عینی و محسوس آورده‌اند تا مفهوم بیت‌ها برای خواننده ساده و قابل فهم شود.

هدف نهایی از این شگرد ادبی غیر از ایجاد تشابه بین دو امر غیر هم‌جنس، ایجاز و فشردگی مطلب است. تمثیل باید پیش از آن‌که ابهام و ظرافت هنری‌اش فاش شود، تأثیر خود را بگذارد از این رو، باید کوتاه و گیرا باشد. یک تمثیل خوب می‌تواند، سخنانی را که در چندین صفحه نوشته می‌شود، به صورت موجز و مختصر بگوید و به تعبیری می‌توان از یک تمثیل خوب، یک مقاله مفصل نوشت. مثلاً در بیت زیر صائب منظور خود را در کوتاه‌ترین شکل ممکن بیان کرده ولی مفهوم خیلی عمیق و بلند است:

عالم خاک بود منتظم از پست و بلند / مصلحت نیست ده انگشت برابر باشد  
(همان: ۱۶۶۲/۴)

اکثر آثار تمثیلی را می‌توان جزء آثار تعلیمی به شمار آورد و این بدان دلیل است که تمثیل، خود جزء ذات ادب تعلیمی و از مختصات برجسته آن است. برخی از متون ادبی مثل بوستان، کلیله و دمنه، مرزبان‌نامه و به‌ویژه بسیاری از آثار عرفانی قدما آکنده از حکایت‌ها و داستان‌های تمثیلی است چنانکه داستان‌های منطق‌الطیر عطار، غالباً با عنوان الحکایه و التمثیل طرح شده و به فراوانی از همین روش برای استناد و استدلال و اثبات سخن استفاده شده است. اغلب متون ادبی تعلیمی و ابیات شعرای سبک هندی در حوزه تمثیل، از آنجاکه کارکردهای تعلیمی و اثباتی و اقتاعی دارند زبان و بیان و ساختار دستوری آن‌ها ساده و رسا و تا حد امکان قابل فهم همگان است. (ر.ک: شمیسا، ۱۳۸۹)

## ۲. کارکردهای هنری تمثیل

### ۱-۲. آشنایی زدایی و تازه و نوآیین کردن

مولوی می‌گوید بین انسان و درک حقایق جهان، غباری از عادت پاشیده شده و آن غبار مانع از رؤیت حقایق می‌شود؛ بنابراین عادت، حقیقت را از آنچه هست تهی می‌کند و هرچیز وارد قلمرو عادت شود بی‌اثر خواهد شد. (ر.ک؛ مولوی، ۱۳۹۰: د ۲) از نظر صورت‌گرایان، کار اصلی شاعر و هنرمند آشنایی‌زدایی و زدودن غبار عادت از چشم ما است (شفیعی کدکنی، ۱۳۹۱) که یاکوبسن آن را «بر هم زدن ترتیب» می‌خواند، یعنی ترتیب موجود را بر هم می‌ریزیم و آرایش جدیدی را به جایش می‌گذاریم و از این طریق

چشم و ذهن را وادار می‌کنیم که کنجکاو شود و موشکافانه با پدیده‌ها برخورد کند و حقیقتِ اشیا را بهتر ببیند. (نفیسی، ۱۳۶۸) کلمات و اصطلاحات آشنا، همان چیزهایی است که بر اثر تکرار مستعمل شده و دیگر به آن‌ها به‌طور خودکار عکس‌العمل نشان می‌دهیم بنابراین عادت در بی‌معنی کردن زیباترین و ژرف‌ترین حرف‌ها مؤثر است و باید آشنایی‌زدایی شود تا بازشناسی جدیدی به‌دست آید. به همین خاطر شاعران و عارفان بزرگ، در عرصهٔ خلاقیت خود تلاش می‌کنند تا عادت‌ها را بشکنند. این کار در ادبیات به طرق مختلفی انجام می‌گیرد که انواع تمثیل از مهم‌ترین آن‌ها هستند. تصاویر حاصل از این هنرهای ادبی، جدید و نوآیند و معلوم است که مضامین تازه و نوآیین چقدر ذوق‌پذیرتر و ذهن‌نشین‌تر از مضامین کهنه و مکرر هستند.

خرابی باعث تعمیر باشد بینوایی را که کوری کاسهٔ دریوزه می‌گردد گدایی را (صائب، ۱۳۷۵: ۲۲۴/۱)

در هنجار عادی، خرابی، موجب تعمیر و آبادانی نمی‌شود؛ اما در بیت فوق با توجه به پیوند پنهانی «خرابی» با «کوری» و «بینوایی» با «گدایی» این جواز را به شاعر داده است که او در زبان شعر عادت‌ستیزی کند و این تعبیر نوآیین را به کار گیرد.

نیست پروا تلخ کامان را ز تلخی‌های عشق آب دریا در مذاق ماهی دریا خوش است (همان: ۵۱۳/۲)

شاعر می‌گوید: عاشقان تلخ‌کام از تلخی‌های عشق پروایی ندارند همان‌طوری که آب دریا در مذاق ماهی خوش‌گوار است. با تأملی در مصراع اول می‌بینیم که این موضوع، مفهومی تکراری و غیربدیع است که در مصراع دوم به شیوه‌ای استادانه و با یاری گرفتن از تشبیهی نهان، بدیع و نو گردیده است. در واقع شاعر بدین طریق از کلام خود آشنایی‌زدایی کرده و این‌ها رسالت تمثیل است.



## ۲-۲. تصویرسازی و تجسم بخشی ساده و رسا

تجسم‌سازی و تصویرگری در شعر به یاری شگردهای مختلف بلاغی، از جمله تمثیل، برای برقراری رابطه بین ضمیر شاعر و فهم مخاطب است. به تعبیری دیگر شاعر دلالت‌های تصویری را برای حصول شناخت و درنوردیدن زمان و مکان ردیف می‌کند و ما به‌عنوان مخاطبان شعر با کشف پیوندهای ذهن شاعر با دنیای خودمان به شناختی متعالی دست می‌یازیم. انسان برای شناخت، از ذهن فعال خویش یاری می‌گیرد و با دریافت تصویرها و تصویرها آن‌ها را با برابر نهادهای بیرونی در جهان ماده نسبت می‌دهد تا شناخت لازم را از پدیده‌ها حاصل کند. (ر.ک؛ کانت، ۱۳۶۲) «یکی از عمده‌ترین کارکردهای تشبیه تمثیل در شعر سبک هندی خلق تصاویر اثباتی و مجسم کردن آن‌ها در ذهن مخاطب است تا به یاری آن‌ها، لذت حاصل از فهم و ادراک را به خواننده عطا کرده باشند.» (حکیم آذر، ۱۳۹۵/۱) تجسم بخشی و تصویرسازی از افکار و اندیشه‌های گوناگون فلسفی، سیاسی، دینی و اجتماعی به وسیله انواع گوناگون تمثیل است که مخاطب با مدل‌سازی‌های تمثیلی، به سادگی می‌تواند آن اندیشه‌ها را که گاه نیز پیچیده هستند بفهمد و در ذهن خود از آن‌ها تصویری ترسیم کند و به این وسیله ماندگاری آن‌ها را در میان محفوظات مختلف ذهنی تضمین کند:

چون نگین از نگین‌دان بر کنار افتاده‌ای است از سر زانوی فکر آن را که سر باشد جدا

(صائب، ۱۳۷۵: ۵/۱)

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی



در بیت فوق «سری که از زانوی تفکر جدا شده» به «نگینی که از نگین دان برکنار افتاده» مانند شده است. اگر انسان سر بر زانوی اندیشه نگذارد و تفکر نکند بی‌ارزش می‌شود همچنان که وقتی نگین از نگین دان برکنار می‌افتد انگشتر بی‌ارزش می‌شود. تفکر و اندیشیدن پدر دانی است و ارزش هر انسانی به اندازه تفکر و اندیشه او است. «ای برادر تو همان اندیشه‌ای / ما بقی تو استخوان و ریشه‌ای» (مولوی، ۱۳۹۰: د ۲۲۳/۲)

شعر نقاشی نهفته است. برخی از ابیات، مثل یک تابلو نقاشی هستند که شاعر در این گونه اشعار تصاویر را با قلم موی کلمات آفریده و در پشت پرده تشبیهات و استعارات پنهان می‌کند. این گونه تصاویر آن قدر زیبا هستند که توجه خواننده را به سوی خود جلب و شگفتی او را برمی‌انگیزند و چون خواننده برای کشف تصاویر پنهان شده در ورای پرده کلمات، تشبیهات و استعارات؛ کنجکاوی و تلاش زیادی می‌کند از کشف تصاویر، لذت می‌برد و به قدری به تصاویر توجه می‌کند که همه اشعار را تصاویر دیده، به واژه فکر نمی‌کند و پیام آن تصاویر در ذهنش ماندگار شده، بزودی فراموش نمی‌شود. به همین خاطر این گونه اشعار بلیغ، ادیبانه و متناسب با نوع ادبی هستند. تصویرهای شعری یکی از زیبایی‌ها و ویژگی‌های ادبیات تعلیمی و سبک هندی محسوب می‌شوند. بیان اغلب شاعران سبک هندی به‌ویژه صائب و بیدل نمایشی است، سخن نمی‌گویند، نشان می‌دهند. به طوری که در

حین خواندن شعر، خواننده به راحتی می‌تواند، صحنه‌ها را مجسم کند و نقاش می‌تواند ابیات را به تصویر کشد:

دست طمع چو پیش کسان کرده‌ای دراز پل بسته‌ای که بگذری از آبروی خویش  
(نظیری نیشابوری، ۱۳۷۹: ۲۱۰)



شاعر می‌گوید: وقتی از روی حرص و طمع دست خود را به سوی دیگران دراز می‌کنی (مشبه) مثل این است که پلی درست کرده‌ای تا از آبروی خود بگذری (مشبه‌به). تصویری که از این بیت در ذهن خواننده مصور می‌شود، ساده، رسا، واقع‌گرا و متناسب با نوع ادبی و فضای تعلیمی است. در همه نمونه‌های ذکر شده، شاعران اندیشه‌ای ناگفتنی را به یاری تمثیل به شکل تصویری حسی و ملموس درآورده و راه فهم معنایی پیچیده را بر خوانندگان گشوده‌اند تا خواننده از کشف تصاویر پنهان‌شده در ورای پرده تشبیهات و استعارات، لذت ببرد و بدین طریق بر ذهن و ضمیر او تأثیر کافی بگذارد.

## ۲-۳. حوادث و واقعیت‌های زمانه را هنری کردن

به حوادث و واقعیت‌های زمانه شکل هنری و تازه دادن، یکی از هدف‌های اساسی در تمثیل‌آوری است. هنگامی که یک نویسنده به جای گزارش صرف تاریخی و سیاسی از واقعیت‌ها، به آن‌ها شکل هنری و تمثیلی می‌دهد از یک سو بُرد زمانی و مکانی این

واقعیت‌ها افزایش پیدا می‌کند و از سوی دیگر، برای مخاطبی که در زمان رخداد آن واقعیت‌ها زندگی می‌کند، آن مسائل، با نوعی آشنایی‌زدایی و رغبت‌انگیزی همراه می‌شود. (ر.ک: شیر، ۱۳۸۹) راز بی‌رغبتی مخاطبان به گزارش‌های مربوط به حوادث جنگ‌ها و انقلاب‌ها در آثار ادبی و سینمایی (به‌خصوص در زمان وقوع این حوادث که رسانه‌های گروهی انباشته از گزارش‌های مستند درباره آن‌ها می‌شوند) و متقابلاً استقبال گسترده از رمان‌ها و فیلم‌هایی که جنگ‌ها و انقلاب‌ها را به‌طور غیرمستقیم و هنری شده‌تر به تصویر درآورده‌اند در همین حقیقت نهفته است.

#### ۲-۴. مضمون‌سازی

«مضمون» یک نکته باریک و لطیف یا خاصیت غریب است که در چیزی وجود دارد ولی تاکنون کشف نشده است، یا در خیال شاعر می‌تواند ساخته و پرداخته شود. مهم‌ترین خاصیت مضمون این است که اگر شعر را از حلیه هنروری‌های زبانی، تصویری و موسیقایی نیز فارغ سازیم، مضمون با آن باقی می‌ماند. هر شعر خوبی صورت تازه‌ای از معناست، اما هر صورت تازه‌ای از معنی مضمون‌آفرینی نیست. ایراد سخن به مقتضای حال، محور اصلی بلاغت و ایراد معنای واحد به طرق مختلف، جهت دیگر آن را تشکیل می‌دهد. «کسانی که ابتکار مضامین دلپسند کرده و آن‌ها را لطف و آرایش بیشتر می‌دهند در شعر مقامی عالی‌تر دارند اگرچه از علم صنعت شعر بی‌بهره باشند.» (فروغی، ۱۳۸۴) تمثیل نیز از شگردهای مهم و محوری مضمون‌سازی در شعر فارسی است و صائب و شاعران هم‌عصر او در شعر خود از این هنر ادبی، برای خلق مضامین متنوع تعلیمی و عرفانی، زیاد استفاده کرده‌اند و در ساخت این صنعت ادبی اصل را بر درک معنا توسط مخاطب گذاشته‌اند. در تشبیهات تمثیلی شعرای سبک هندی، مضامین تکراری زیادی دیده می‌شود و این نشان می‌دهد که آن‌ها ابتدا مضمون را می‌یافته، آنگاه آن را در قاب کلمات می‌ریختند بنابراین، شعر این دوره کوششی و سازه‌مند است، نه جوششی و جوهری. ابیات زیر از جمله موارد مضمون‌آفرینی تعلیمی با این شگرد ادبی است:

کلید گنج سعادت، زبان خاموش است صدف به مزد خموشی، گهر ز نیشان یافت  
(صائب، ۱۳۷۵: ۹۰۲/۲)

برندارد میوه تا خام است دست از شاخسار زاهد ناپخته را از خود بریدن مشکل است  
(همان: ۵۲۵/۲)

در بیت اول صائب برای اثبات اینکه «خاموشی و سکوت موجب سعادت و خوشبختی انسان می‌شود»، مثالی را کشف می‌کند که کاملاً این امر را ثابت می‌کند: همانطوری که صدف به خاطر خاموشی از باران نیشان، گوهر گران بها یافت؛ و در بیت دوم می‌گوید: برای زاهد بی تجربه، ترک خودیت آسان نیست همچنان که میوه تا زمانی که نرسیده، دست از شاخه درخت بر نمی‌دارد. در این بیت‌ها تمثیل و تشبیه نهان موجب مضمون آفرینی شده و جنبه استدلال دارد به عبارت دیگر مشبّه‌به برای اثبات مشبّه آمده و مضمون آفرینی در مشبّه‌به است.

### ۳. کاربردهای تعلیمی و تربیتی تمثیل

#### ۳-۱. استدلال و تحلیل ادبی

تمثیل از ابزارهای قوی قیاس و استدلال‌های شاعرانه است یعنی گوینده به وسیله این شگرد ادبی، نظر خویش را که نوعی کلی‌گویی عامیانه است، مستند و علمی جلوه می‌دهد او شعار می‌دهد و برای اینکه خواننده شعارش را بپذیرد مثال می‌زند. (ر.ک؛ خسروی، ۱۳۸۹) «کارکرد تمثیل، توسل جستن به استنادات و استشادات روایی و عینی و خاطره‌ای برای استدلال‌گری است تا عقل شنونده با نقل گوینده، به شیوه‌ای متشابه با برهان‌های منطقی و صغری و کبری چیدن‌ها و استقراء و قیاس کردن‌ها، اندیشه‌ها و آموزه‌هایی را که در پس پشت صحبت‌ها نهفته است به راحتی باور کند.» (شیری، ۱۳۸۹)

تمثیل، در ضمن ادبی بودن هسته‌ای منطقی و علمی دارد و شاعر برای بیان غرض خود از روشی منطقی مبتنی بر تشبیه بهره می‌گیرد تا میان تصورات پنهان در ضمیر خود و دنیای اطراف رابطه‌ای قابل درک برقرار کند. فهم این رابطه برای همگان میسر است به همین خاطر پیام شعر و منطق آن در دل و جان جای می‌گیرد. شاعران سبک هندی

استدلال‌گرا هستند و این صنعت ادبی را به‌عنوان ابزاری هنری برای بیان استدلال‌های شعری خود به‌کار برده‌اند. ابیات آن‌ها در غزل، به عبارت‌ها و گزاره‌های منطقی چنان نزدیک می‌شود که در عین مخیل بودن، بسیار استوار و منطقی به چشم می‌آید. (ر.ک؛ شفیع‌ی کدکنی، ۱۳۸۰) به بیان دیگر، «تشبیه مرکب تمثیلی ابزاری است برای استدلال و تفهیم آنچه مخاطب نسبت بدان ناآگاه است یا در موضع بی‌تفاوتی نسبت به آن قرار دارد یا شنیدن دوباره آن برای وی لطیف است» (حکیم‌آذر، ۱۳۹۵/۱)؛ و هرکس از قوه استدلال بیشتر بهره‌مند باشد افکار خود را پخته‌تر و روشن‌تر بیان می‌کند و مدعای خویش را بهتر در اذهان جای می‌دهد.

صائب می‌گوید: «هر قومی مرا به خاطر مشرب صاف و بی‌غلّ و غشی که دارم از خودشان می‌دانند.» و برای اثبات مدعای خود مثال می‌زند و چون مثالش محسوس و تجربه‌شده است، خواننده هم در احساسی مشترک نظر او را می‌پذیرد. «همانطوری که هر ظرفی، آب روشن را به رنگ خود در می‌آورد»؛  
مرا از صافی مشرب ز خود دانند هر قومی که هر ظرفی به رنگ خود برآرد آب روشن را  
(صائب، ۱۳۷۵: ۲۱۰/۱)

و در جای دیگر می‌گوید: «عقل شجاع و قوی نمی‌تواند حریف نفس سرکش باشد.» و برای اثبات ادعای خود فقط مثال می‌زند و چون مثالش کاملاً ملموس و پذیرفتنی است، در نتیجه خواننده ادعای او را می‌پذیرد. مثال: «همچنان که آب نمی‌تواند روغن را زیردست خود بکند»؛

نمی‌گردد حریف نفس سرکش، عقل دریا دل چگونه زیردست خویش سازد آب، روغن را؟  
(همان: ۲۱۰/۱)

بیان حکایت‌های تمثیلی نیز یکی از شیوه‌های استدلال است که در آن‌ها با ارائه یک نمونه روشن و قابل قبول از موضوعی، حکمی کلی را در آن زمینه نتیجه‌گیری می‌نمایند. مثلاً در داستان «طوطی و بقال» در مثنوی مولوی، طوطی تمثیل اشخاصی است که قضاوت‌های

سطحی و قیاس نابجا می‌کنند. در تمثیل، شاعران برای اقناع مخاطب خود، این‌گونه اظهارنظرها را با مثال و استدلال همراه می‌سازند دلیل این امر آن است که شاعر و مخاطب او هر دو ذهنیتی ساده‌انگارانه دارند و به همین سبب با استفاده از حکمت تجربی عامیانه به توضیح و تعلیل ادبی متوسل می‌شوند. از این نظر که سخنان مستدل آن‌ها ساده و روشن است و با صراحت به نتیجه‌گیری می‌پردازد، تأثیر عمیقی بر خواننده می‌گذارد. در بسیاری از داستان‌های هزار و یک‌شب، کلیله و دمنه، مرزبان‌نامه، چهل طوطی و... نیز به فراوانی از همین روش برای استناد و استدلال و اثبات سخن استفاده شده است.

### ۲-۳. کاربرد اثباتی و اقناعی

یکی از اصلی‌ترین کارکردهای تعلیمی تمثیل، خصیصه‌ اثبات‌گری و اقناع‌کنندگی برای مخاطب است. انواع تمثیل همواره یکی از ابزارهای منطقی برای اثبات سخن در دست خطیبان و واعظان بوده و شعرای سبک‌ هندی نیز به دلیل سروکار داشتن با عموم مردم و به خاطر ساده کردن حقیقت‌های سخت و دشوارفهم و مجاب کردن مخاطب، اغلب از شیوه‌ مثال‌آوری که سنت رایج در فرهنگ و زبان مردم است استفاده می‌کنند. (ر.ک؛ شیری، ۱۳۸۹) تمثیل، در مضامینی که شاعر می‌آفریند، در خدمت اثبات نظر است و شاعر برای اقناع مخاطب از راه‌هایی می‌رود که روندگان پیشین آن‌ها را پایکوب کرده و قبول عام یافته‌اند. (ر.ک؛ فتوحی، ۱۳۸۶) صائب و بیدل به فراوانی از این روش‌ها برای استناد و اثبات سخن بهره برده و حکم‌هایی را ارائه کرده‌اند که هیچ‌کس با آن‌ها مخالفت نتواند کرد به‌بیان‌دیگر اصول مسلم، بدیهیات، تجربه‌های همگانی و احکام قطعی، مدعاهای شاعران ممتازند. این شاعران عناصر متقارن در تمثیل را از عالمی انتخاب می‌کنند که ذهن مخاطب با آن آشناست به تعبیری دیگر تبیین معقول با محسوس اصل اساسی تمثیل در شعر سبک‌ هندی است. در این دوره تبیین منطقی مبهمات و مفاهیم ناشناخته ذهنی به کمک ابزارهای زبانی و عمدتاً منطقی وجهه‌ همت شاعران بود و شاعران به روش تمثیلی و به فشرده‌ترین شکل برای بیان مفاهیمی که در ذهن داشتند مصادیقی از عالم خارج استخراج و عرضه می‌کردند که میزان ارتباط منطقی بین اجزاء بیت ساده‌تر بود:

من از رویدن خار سر دیوار دانستم که ناکس کس نمی‌گردد از این بالانشینی‌ها  
(صائب، ۱۳۷۵: ۴۱۰/۱)

در این بیت «ناکس» قرینه «خار» و «بالانشینی‌ها» قرینه «سر دیوار» است. آنچه از این  
قرینه‌سازی درک می‌شود این است که شخص فرومایه حتی اگر به مقام بلند هم برسد باز  
هم پست خواهد بود همانطور که خار اگر در بالای دیوار هم قرار بگیرد باز هم پست و  
بی‌ارزش است. نمونه‌هایی دیگر:

حسرت نکند کودک را سود به پیری هر گه که به خُردی بگریزد ز دبستان  
هر کس که به تابستان در سایه بخشید خوابش نبرد گرسنه شب‌های زمستان  
(ناصر خسرو، ۱۳۸۴: ۴۸۶)

ابیات فوق با تعبیری چون: «هرچه بکاری همان را درو می‌کنی» یا «درخت کاهلی بار  
ندارد» معادل هستند یعنی هرچقدر در طول زندگی تلاش کنی در آینده‌ای نزدیک نتیجه-  
اش را خواهی دید ولی اگر تبدلی و سستی‌نمایی، جز اندوه و حسرت چیزی به تو نخواهد  
رسید. در این جا شاعر ابتدا یک حکم کلی بیان کرده و سپس برای اثبات آن، مثالی عینی و  
ملموس آورده است.

۳-۳. برای پند و اندرز و تئبه و عبرت  
در این کاربرد شاعر یا نویسنده، تمثیل را جهت پند و اندرز دادن و عبرت گرفتن به  
مخاطبان عرضه می‌کند. بدین ترتیب که معمولاً در پایان داستان، راوی یا یکی از قهرمانان،  
یک اصل اخلاقی یا رفتاری را در یکی دو جمله کوتاه پرمعناي نکته‌دار (کلمات قصار)  
بیان کرده و نتیجه‌گیری می‌کند. (شمیسا، ۱۳۸۹) البته ممکن است این گونه عبارات مثلی  
پرمعنا در وسط حکایت از زبان قهرمانان صادر شود. مثلاً عطار در حکایت زیر، ضمن نشان  
دادن رزاقی خداوند، مخاطب را به عبرت گرفتن از آن، فراخوانده است:



...کشیدم چند دلو بار از چاه یکی سنگ سیه  
دیدم در آن خاک برافکندم که تا سنگی گران  
هست دو نیمه گشت و کرمی از میانش زهی  
منعم که در پروردگاری به چاه تیره، در راه  
بیابان حریصا! لطف رزاقی او بین  
فراوان بار جستم بر سر راه چو گویی، شکل  
او بس روشن و پاک ز دستم بر زمین افتاد و  
بشکست برآمد سبزرگی در دهانش میان  
سنگ کرمی را بداری میان سنگ، کرمی را  
نگهبان عطا و نعمت باقی او بین  
(عطار، ۱۳۸۸: ۲۱۳-۲۱۲)

مولانا هم حکایت تمثیلی «طوطی و بازرگان» را با نتایج اخلاقی و آموزنده به پایان رسانده و به عبرت گرفتن خواننده از آن تأکید کرده است:

معنی مردن ز طوطی بُد نیاز در نیاز و فقر خود را مرده ساز  
(مولوی، ۱۳۹۰: د ۱۲۸/۱)

معنای مردن طوطی احساس فقر و نیاز بود. پس تو هم در عین نیاز و فقر، خود را مرده گردان، یعنی به مرتبه فقر عارفانه برس و منزل خودبینی را ترک کن. اگر به چنین مرگ اختیاری برسی، دم مسیحایی، تو را زنده می‌گرداند و آن دم عیسوی، تو را مانند خودش خوب و فرخنده می‌سازد.

### ۳-۴. طنز و انتقاد و اعتراض

طنز یکی از شیوه‌های ادبی است که اشتباهات و جنبه‌های بدرفتار بشری، ضعف‌های اخلاقی، عیب‌ها و فسادهای اجتماعی و سیاسی یا حتی تفکرات فلسفی را در همه جهات به شیوه‌ای غیرمستقیم و خنده‌آمیز به نقد می‌کشد. (عبدی و زمانی، ۱۳۸۹) در طنز با اینکه رویه سخن به ظاهر مزاح‌آمیز و غیرجدی است، در آخر به تفکر و تنبّه و اصلاح می‌انجامد، از این رو می‌توان طنز را در قلمرو ادب تعلیمی به حساب آورد. (موحد، ۱۳۸۲) طنزپردازان از روش‌ها و تکنیک‌های مختلفی برای ایجاد خنده و طنزآفرینی استفاده می‌کنند که تمثیل

هم یکی از مهم‌ترین و رایج‌ترین شگردهای ایجاد طنز در اثر ادبی است. به‌عنوان مثال در ابیات زیر حافظ با استفاده از تمثیل، طنزهای زیبایی سروده است:

قند آمیخته با گل نه علاج دل ماست      بوسه‌ای چند برآمیز به دشنامی چند  
(حافظ، ۱۳۸۵: ۳۶۴)

دلربایی همه آن نیست که عاشق بکشند      خواجه آن است که باشد غم خدمتکارش  
(همان: ۵۵۴)

نصیب ماست بهشت، ای خداشناس برو      که مستحق کرامت گناه‌کارانند  
(همان: ۳۹۰)

حافظ در بیت آخر می‌گوید: کرم خدا شامل حال گناهکاران می‌شود. پس بهشت از آن گناهکاران است، نه پارسایان که پاداش اعمال خود را دریافت می‌کنند. توجه شود که دریای جود الهی خیلی بیشتر از پاداش اعمال است! سخن حافظ نوعی مغالطه آگاهانه و عمدی است و معنی طنزآمیز بیت نیز به زیبایی آن افزوده است.

از شاه‌زی فقیه چنان بود رفتنم      کز بیم مار در دهن اژدها شدم  
(ناصر خسرو، ۱۳۸۴: ۱۳۹)

«از بیم مار در دهان اژدها رفتن» معادل است با تعبیر «از چاله در آمدن و به چاه افتادن» یعنی انسان از بلایی بیرون آمده گرفتار بلایی مهلک‌تر و بدتر شود.

### ۳-۵. تفسیر سخن و کمک به ایضاح مطلب

روشنگری و کمک به فهم مطلب معقول در هنگام طرح موضوعات دشوار فلسفی و هستی‌شناختی، جهت تثبیت در ذهن مخاطب از ویژگی‌های شاخص در تمثیل است. ممکن است مصراع معقول به‌تنهایی برای خواننده قابل‌درک نباشد و یا لاف‌فهم آن دشوار باشد در چنین مواردی مصراع محسوس نقش راهنما و مفسر را بر عهده دارد و در جهت توضیح و تکمیل موضوع مصراع معقول است. (ر.ک: خسروی، ۱۳۸۹) در این شگرد ادبی گاه شاعر بین دو سوی بیت تعادلی از نظر ارزش ادبی و اعتبار منطقی ایجاد می‌کند که مخاطب

را بر می‌انگیزد تا هر یک از دو سوی را به یاری سوی دیگر تفسیر و تعبیر کند. در اغلب این موارد انتخاب این که کدام سوی مدعا و کدام سوی مثل باشد دشوار و گزینش آن بر عهده مخاطب است حال آن که قدماً غالباً در تشبیه تمثیل، مشبه را امری معقول (مدعا) می‌دانند و مشبه را امری محسوس (مثل) که بیان حال مشبه می‌کند. (ر.ک: حکیم آذر، ۱۳۹۰) تمثیل در لفظ عبارت است از مثال‌آوری در هنگام طرح یک مطلب یا موضوع، به‌منظور وضوح بیشتر بخشیدن به حقیقت و اثبات سخن. این خصوصیت در اغلب انواع تمثیل که ابتدا در آن‌ها مطلبی بازگو می‌شود و سپس مثال‌هایی آورده می‌شود و یا بالعکس، پس از ذکر مثال‌ها، نتیجه‌هایی از آن‌ها گرفته می‌شود یک شیوه غالب در تمثیل‌آوری است. (ر.ک: شیری، ۱۳۸۹)

چشم در صنع الهی باز کن، لب را ببند بهتر از خواندن بود، دیدن خط استاد را (صائب، ۱۳۷۵: ۲۸/۱)

صائب در مصراع اول می‌گوید: خاموش باش و در آفرینش خداوند با تأمل نگاه کن تا به عظمت و قدرت آفریننده‌اش بیشتر پی ببری، «فَتَبَارَكُ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ» (۱۴/۲۳) و در مصراع بعدی برای روشن شدن ذهن مخاطب، دلیل می‌آورد: چون دیدن خط استاد بهتر از خواندن آن است.

غم مردن نبود جان غم‌اندوخته را نیست از برق خطر مزرعه سوخته را (صائب، ۱۳۷۵: ۲۷۰/۱)

در این بیت شاعر موضوع ذهنی و انتزاعی را با تمثیلی هنرمندانه، برای تنویر اذهان، محسوس و ملموس ساخته و در واقع مصراع دوم دلیل و سند تأیید مطلب مصراع اول است. بدیهی است که این حقیقت عمیق تربیتی و روان‌شناختی را نمی‌توان با صنایع و آرایه‌های لفظی تبیین و تکمیل کرد و آنچه توانایی گسترش دایره ذهن را دارد، چیزی جز آوردن مترادفی معنایی و تمثیل نیست.

### ۳-۶. بیان پنهان و غیرمستقیم

ایجاد ابهام و کتمانگری در کلام به هنگام سختگیری‌های سیاسی و فرهنگی نیز از کارکردهای مهم تمثیل است. در شمار بسیاری از تمثیل‌ها مثل تمثیل‌های رمزی، اسطوره‌ای، فکری، فلسفی، سیاسی، قصه‌وار و فانتزی هیچ‌گونه توضیح مستقیمی درباره ماهیت تمثیل داده نمی‌شود. در این‌گونه تمثیل‌ها که گاه در آن‌ها مسائل سیاسی، هستی‌شناختی، تعلیمات و تجربیات تخیلی، رؤیاگونه و شطح‌آمیز به نمایش درمی‌آید، بسیاری از حقیقت‌ها از سر احتیاط و ترس و تعمد در پوشش نمونه‌های مثالی و استعاری به روایت گذاشته می‌شود تا آن حقایق، صورت استتار شده‌ای پیدا کنند و تنها گروه‌های خاصی از مردم که از اهلیت لازم برخوردار هستند، آن‌هم پس از تعمق بسیار، به تأویل و تفسیر و معانی باطنی آن دسترسی پیدا کنند. (ر.ک؛ شیری، ۱۳۸۹) چنانکه عطار، در منطق‌الطیر رمزهای داستان تمثیلی «بوتیمار» را نمی‌گشاید و خواننده، خود بر اساس قرینه‌های معنوی درمی‌یابد که بوتیمار، نماد و رمز «مردم دون‌همتی» است که به اندک خرسندند، چنانکه بوتیمار به اندکی چون «لب دریا» دلخوش و خرسند بود و لاجرم راهی به دریای حقیقت نداشت، چون:

آن‌که او را قطره‌ای آب است اصل کی تواند یافت از سیمرخ وصل؟  
(عطار، ۱۳۸۹: ۱۱۹)

در ادبیات پندی فارسی، موارد بسیاری از انتقاد و طنز را به‌طور غیرمستقیم در آثار شاعران و نویسندگان می‌بینیم که آثار سعدی نمونه بسیار بارز و ارزنده‌ای از آن است. وی با روشی بسیار ظریفانه و نکته‌آمیز، گفته‌های طنزآمیز فراوانی را آفریده است:

«پادشاهی پارسایی را دید گفت: هیچت از ما یاد آید؟ گفت: بلی وقتی که خدا را فراموش می‌کنم.» (سعدی، ۱۳۸۰: ۶۹)

این حکایت را می‌توان طنز نیشخندانه دانست که به‌صورت غیرمستقیم و با زبان طنزگونه سعدی می‌خواهد این حقیقت را تعلیم دهد که هیچ‌یادی برتر از یاد خداوند تبارک و تعالی نیست و با وجود این حقیقت برتر، دیگر نگرستن به اغیار جایگاهی ندارد.

در عصر سانسور و دیکتاتوری گاهی مصلحت در عدم تصریح است و باید حقایق و موضوعات سیاسی و انتقادی به صورت غیرمستقیم و در پشت نقاب سمبل و تمثیل پنهان شوند تا نوشته از سد سانسور عبور کرده و بدون هیچ گونه ممانعتی امکان انتشار و ارتباط با مخاطب را پیدا کند. داستان‌هایی چون «سرگذشت کندوها» و «نون و القلم» از آل احمد، «خر دجال» از هدایت و «به سوی مردم» از به آذین، با همین شیوه از استتار و اختفا به نگارش درآمده‌اند. بنابراین تمثیل را نیز مانند استعاره و سمبل، به دلیل برخوردارگی از دو کارکرد کاملاً متفاوت، می‌توان به دو نوع متمایز تقسیم کرد: تمثیل روشنگرانه، تمثیل کتمانگرانه.

### ۳-۷. تشویق و ترغیب مخاطب

در این کاربرد، نویسنده و شاعر تمثیل را برای برانگیختن مخاطب به انجام کاری که پسندیده است و مقبولیت عام دارد، بکار می‌برد. مثلاً در شعرهای زیر شاعران برخی از محاسن اخلاقی را ستوده و مخاطبان خود را به تقویت این اوصاف در وجود خود تشویق و ترغیب کرده‌اند:

آب حیوان نه آب حیوانست جان چراغ است و جان با عقل و عقل با جانست عقل جان است  
عقل روغن او عقل با جان عطیۀ احدی است و جان ما تن او جان با عقل زنده ابدی است  
(نظامی، ۱۳۸۴: ۶۲۷)

نظامی توجه خاصی به عقل و تدبیر دارد و بیش از هر چیز رأی و خرد و تدبیر را ستوده است و اندیشه را کلید زرین فتح و گشایش می‌داند و مخاطب را به عقل‌گرایی و خردورزی تشویق می‌کند. در تعبیر شاعر، آب حیوان یا جاودانگی، تمثیلی از همراهی و همسازگی خرد و جان است و اشتراک معنوی خرد و روح موجب هدایت و شناخت خداوند واحد خواهد بود.

به نرمی ظفرجوی بر خصم جاهل که گه را به نرمی کند پست باران  
(ناصرخسرو، ۱۳۸۴: ۸۵)

به همواری ادب کن خصم سرکش را که خاکستر به نرمی زبردست خویش می‌گرداند آتش را  
(صائب، ۱۳۷۵: ۱۸۹/۱)

هر یک از بیت‌های فوق حاوی یک تمثیل هنرمندانه هستند و معادل با تعبیر «ملایمت در کارها مفید و نجات‌بخش است»، می‌باشند. یکی از اصولی که شاعران حکیم و عارف مسلک در اشعارشان بدان تأکید کرده‌اند، ملایمت در کارها است. در این بیت‌ها هم شاعران مخاطب خود را به ملایمت و مدارا با دشمن دعوت می‌کنند.

### ۳-۸. برای بیان تحذیر و هشدار

هرگاه نویسنده‌ای بخواهد مخاطب خود را از انجام کاری ناپسند نفی کند یا نیک و بد بودن امری را به او گوشزد کند، می‌تواند در کنار بیان اصل مطلب، چاشنی حکایت را نیز بیفزاید تا تلخی امرونهی را کاسته و تأثیرگذاری متن را افزایش دهد. در شعرهای زیر هم شاعران، مهم‌ترین معایب و زشتی‌های اخلاقی را که انسان را از مرتبه‌ی والای انسانی‌اش دور می‌سازد، نکوهش کرده و مخاطبان خود را از آن قبایح برحذر داشته‌اند. می‌توان موارد مذکور را مهم‌ترین مشکلات اجتماع عصر ایشان به حساب آورد که شاعران متوجه آن‌ها بوده و به یادآوری و تحذیر از آن‌ها همت می‌گمارند.

چو آب از اعتدال افزون نهد گام چراغ ارچه ز  
ز سیرابی به غرق آرد سرانجام بسا باشد که از  
روغن نور گیرد خورش‌ها را نمک رو تازه دارد  
روغن بمیرد نمک باید که نیز اندازه دارد  
(نظامی، ۱۳۸۸: ۱۸۷-۳۱)

رعایت موضوع اعتدال در باب اخلاق بسیار دارای اهمیت است و بیش از هر چیزی مورد توجه حکما بوده است. «خَيْرُ الْأُمُورِ أَوْسَطُهَا». اندازه نگه‌دار که اندازه نکوست. نظامی هم در این بیت‌ها مخاطب را از افراط و تفریط که کاری منفی هستند بازداشته است.

در کارهای دینی و دنیایی زنه‌ار تا به سیرت طراران  
جز همچنان مباش که بنمایی ارزن نموده ریگ نیممایی  
(ناصر خسرو، ۱۳۸۴: ۷)

ارزن‌نما و ریگ‌پیما: یعنی کسی که شخصیت منافق و دورنگ دارد. در باور شاعر، انسان نباید شخصیتی دورو و منافق داشته باشد و بخواهد جای خوب و بد را تغییر دهد.

### ۳-۹. ملموس کردن مفاهیم کلی و انتزاعی

تمثیل یکی از هنری‌ترین راه‌ها برای ملموس و عینی کردن مفاهیم کلی و انتزاعی و تشریح افکار، آرمان‌ها و ذهنیات پیچیده شاعر به زبان قابل‌درک مردم عادی است. «در تمثیل با مشبه و مشبه‌به مواجهیم که در آن مشبه عمیق‌تر از مشبه‌به است، چراکه مشبه مسئله‌ای معقول و معنوی و مشبه‌به که برای تقریر و اثبات مشبه مورد استفاده قرار می‌گیرد، امری مادی و محسوس است.» (شمیسا، ۱۳۸۵) این کارکرد تمثیل با هدف ادب تعلیمی که در پی بیان صریح و واضح مطالبی اخلاقی است سازگارتر است چون این موارد بیشتر از نوع مباحث عقلی‌اند، پس نیاز به وجود یک تمثیل است تا مطالب اخلاقی عقلی را با مباحث حسی و صریح، به وضوح شرح و بسط دهد. مثلاً صائب در غزلی که سراپا از این شگرد ادبی بهره می‌گیرد، می‌گوید:

ریشه در خاک تعلق نیست اهل شوق را	می‌رود بیرون ز دنیا پایکوبان گردباد طی
خارخار شوق در دل کاربال و پیر کند	به یک پا می‌کند چندین بیابان گردباد
دولت سردرھوایان را نمی‌باشد دوام می‌کند	می‌شود در جلوه‌ای از دیده پنهان گردباد
زخم زبان شوریدگان را گرم‌تر	خار و خس را بال و پرسیازدز جولان گردباد

(صائب، ۱۳۷۵: ۱۱۴۱/۳)

آنچه تبیین مفاهیم و مسائل معقول با محسوسات را هنری جلوه می‌دهد کشف روابط پنهان مفاهیم عقلی و پیوند زدن آن‌ها با روابط مقولات حسی است. برای مثال در غزل بالا به صورتی پنهانی اهل شوق را به گردباد تشبیه کرده که ریشه و پیوندی با دنیا ندارد و هر زمان که اراده کند از دنیا بیرون می‌رود. تصویر چرخیدن گردباد و نسبت تصویری که با چرخیدن و سماع اهل شوق پیدا می‌کند نقطه اوج بلاغت اثر است. (ر.ک: حکیم‌آذر، ۱۳۹۵/۲) شاعر در اینجا، در پی صدور حکمی است که با آن ذهن مخاطب را تحریک کند و نظر او را به سود آرای خود برانگیزد.

### ۳-۱۰. افزایش میزان تأثیرگذاری کلام در مخاطب و بلاغت سخن

بلاغت و تأثیرگذاری هر متنی تا حدود زیادی به قدرت نویسنده در استفاده از ابزارهای زبانی و کاربرد آن‌ها در القای منظور و مقصود خود بستگی دارد. هر شاعر یا نویسنده برای حصول به هدف متن در نوشته خود ابزارهای متناسبی با مقتضای ظاهر و حال متن (یعنی موضوع متن و مخاطب متن) به کار می‌برد. تمثیل هم یکی از شگردهای مهم ادب تعلیمی است که نویسنده در تفهیم مطالب و دیدگاه‌های خود به مخاطب و تأثیرگذاری بیشتر بر عموم مردم از آن یاری می‌گیرد. تمثیل خوب فهم را تروتازه می‌کند و در هر جا به کار رود برجسته‌ترین کارکرد آن این است که اندیشه و معنایی را روشن می‌کند و در روح و جان شنونده اثر می‌گذارد و در راستای خدمت به اهداف ادب تعلیمی قرار می‌گیرد. مثال:

صحبت نیکان بود مشاطه بد گوهران  
خار تا بر دور گل باشد، چو مژگان خوش نماست  
(همان: ۴۸۶/۲)

مشبه: هم‌صحبتی با انسان‌های نیک، مایه آرایش انسان‌های بدسرشت می‌شود. مشبه‌به: خار تا زمانی که با گل همراه است مثل مژگان زیبا به نظر می‌رسد. ادات: محذوف است. وجه شبه مرکب حاصل از این تشبیه عبارت است از: آراسته و زیبا شدن چیز بد و زشت به خاطر همراهی با چیز نیک و زیبا. شاعر در یک مصراع مطلب مورد نظر خود را بیان کرده سپس برای اثبات و مستدل کردن آن و برای این که خواننده نظرش را بپذیرد در مصراع دیگر مثالی محسوس برای آن آورده است. این گونه سخن گفتن بسیار تأثیرگذار است و راز آن در این است که در ذهن شنونده تصویری بیشتر ایجاد می‌کند زیرا شنونده هنگامی که در دل خویش مثالی را تصور کند که مخاطب مستقیم آن نباشد با رغبت بیشتری آن را می‌پذیرد.

در تمثیل معمولاً در مصراع اول یک مسئله عقلی و اخلاقی مطرح می‌شود و در مصراع بعد، برای تأکید بر آن و تقویت بنیه سخن، مثالی حسی و روشن‌تر و قابل‌فهم‌تر بر آن می‌آورند (ر.ک؛ ذوالفقاری، ۱۳۸۶)، مانند:



صافی دل خواهی از سیروسفر غافل مباش      تخته‌ی مشق کدورت از سکون می‌گردد آب  
(بیدل، ۱۳۸۹: ۲۷۸/۱)

در این بیت هم شاعر برای بیان مقصود خود، از تمثیل استفاده کرده و با بهره‌گیری از یک عبارت موردقبول عامه، تأثیر سخنش را دوچندان کرده است.

### بحث و نتیجه‌گیری

در تمثیل شاعر یا نویسنده برای تأیید یا روشن شدن مطلبی، آن را به موضوعی ساده‌تر تشبیه می‌کند یا برای اثبات موضوعی، نمونه و مثالی رایج و مشهور می‌آورد تا از این طریق، مفاهیم و نظریات خود را به خواننده یا شنونده منتقل نماید. استفاده از تمثیل در زبان علاوه بر تقویت محتوای کلام و صحه گذاشتن بر یک تفکر جمعی، در تفهیم مطالب به خواننده بسیار مؤثر است. در حوزه‌های انتقادی و مباحث نظری و عرفانی و موضوعاتی از این دست، از آنجا که احتیاج به شرح و توضیح و در نتیجه آوردن مثال دارند بسامد تمثیل بسیار بالا است. شاعران سبک هندی با استفاده از این شگرد و آوردن مثالی هنری، این مضامین و مباحث را تبیین و تفسیر می‌کنند. نویسندگان ادب تعلیمی برای ملموس و عینی کردن مفاهیم کلی و انتزاعی و القای مطلب خود به مخاطب از این شگرد ادبی استفاده کرده‌اند و کاربرد شکل‌های مختلف تمثیل، نیاز زبانی آن‌ها را در بیان رسا و زیبای معنای موردنظر برآورده ساخته است.

تمثیل پیام را به صورت پنهان و غیرمستقیم منتقل می‌کند و گاهی برای پند و اندرز و تشویق و ترغیب و گاهی برای تحذیر و هشدار مخاطب به کار می‌رود. وجود تمثیل در آثار تعلیمی مطابق با مقتضای حال متن تعلیمی و مخاطب آن است چرا که مقتضای حال در آثار تعلیمی دوری از ابهام و تصریح کلام است و این تصریح و توضیح از وظایف و ویژگی‌های انواع تمثیل است. نتیجه کلی مقاله این است که انواع تمثیل، در متون تعلیمی و سبک هندی به خاطر نیاز به بیان رسا و روشن تجربه‌ها، اندیشه‌ها و مفاهیم عرفانی فراوان

به کار رفته‌اند به گونه‌ای که می‌توان آن‌ها را از برجسته‌ترین ویژگی‌های بلاغی آثار ادبی تعلیمی و سبک هندی و از رازهای زیبایی و تأثیر زبان آن‌ها بر خواننده به‌شمار آورد.

### تعارض منافع

تعارض منافع ندارم.

### ORCID

Sardar Bafekr

 <http://www.orcid.org/0000-0003-4338-0798>

### منابع

- قرآن کریم. (۱۳۸۱). ترجمه محمد مهدی فولادوند. قم: انتشارات قرآن کریم.
- بیدل، عبدالقادر. (۱۳۸۹). دیوان (۲ جلد). به کوشش اکبر بهداروند. تهران: نگاه.
- جرجانی، عبدالقاهر. (۱۳۷۴). اسرارالبلاغه. ترجمه جلیل تجلیل. تهران: مروارید.
- حافظ، شمس‌الدین محمد. (۱۳۸۵). دیوان. تدوین و تصحیح رشید عیوضی. تهران: امیرکبیر.
- حکیم‌آذر، محمد. (۱۳۹۰). اسلوب معادله در غزل سعدی. پژوهشنامه ادبیات تعلیمی، ۳(۹)، ۱۶۳-۱۸۴.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۹۵/۱). بحث در تشبیه تمثیل و کارکرد آن در غزل صائب تبریزی. فنون ادبی، ۸(۲)، ۱۱۷-۱۳۶.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۹۵/۲). نگاهی به اسلوب معادله در شعر صائب. پژوهش‌های نقد ادبی و سبک‌شناسی، ۶(۳)، ۸۷-۱۰۶.
- خسروی، حسین. (۱۳۸۹). اسلوب معادله در شعر. مجله شعر، ۶۹(۶۹)، ۵۸-۶۲.
- ذوالفقاری، حسن. (۱۳۸۶). بررسی ساختار ارسال مثل. فصلنامه پژوهش‌های ادبی، ۴(۱۵)، ۳۱-۶۲.
- سعدی، مصلح‌الدین. (۱۳۸۱). کلیات. به اهتمام محمدعلی فروغی. تهران: امیرکبیر.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۸۰). گلستان. تصحیح محمدعلی فروغی. تهران: ققنوس.
- شفیعی کدکنی، محمدرضا. (۱۳۹۱). رستاخیز کلمات. تهران: سخن.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۸۰). صورخیال در شعر فارسی. تهران: آگاه.
- شمیسا، سیروس. (۱۳۸۹). انواع ادبی. تهران: میترا.

\_\_\_\_\_ (۱۳۸۵). بیان. تهران: میترا.

شیری، قهرمان. (۱۳۸۹). تمثیل و تصویری نو از کارکردها و انواع آن. فصلنامه کاوش‌نامه، ۱۱(۲۰)، ۳۳-۵۴.

\_\_\_\_\_ (۱۳۸۲). داستان‌نویسی، شیوه‌ها و شاخصه‌ها. تهران: پایا.

صائب، میرزا محمدعلی. (۱۳۷۵). دیوان (۶ جلد). به کوشش محمد قهرمان. تهران: علمی و فرهنگی.

عبدی، صلاح‌الدین و زمانی، شهلا. (۱۳۸۹). طنزپردازی در مقالات تنکیت و تبکیت عبدالله ندیم و چرند پرند دهخدا. فصلنامه پژوهش‌های زبان و ادبیات تطبیقی، ۱(۳)، ۱۰۹-۱۳۲.

عطاری، فریدالدین محمد. (۱۳۸۸). اسرارنامه. مقدمه، تصحیح و تعلیقات محمدرضا شفیعی کدکنی. تهران: سخن.

\_\_\_\_\_ (۱۳۸۹). منطق‌الطیر. مقدمه، تصحیح و تعلیقات محمدرضا شفیعی کدکنی.

تهران: سخن.

فتوحی، محمود. (۱۳۸۴). تمثیل (ماهیت، اقسام، کارکرد). مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی، ۱۲ و ۱۳ (۴۷-۴۸)، ۱۴۱-۱۷۸.

\_\_\_\_\_ (۱۳۸۶). بلاغت تصویر. تهران: سخن.

فروغی، محمدعلی. (۱۳۸۴). سیر حکمت در اروپا. تهران: زوآر.

قبادیانی، ابومعین ناصر خسرو. (۱۳۸۴). دیوان. تصحیح مجتبی مینوی و مهدی محقق. تهران: دانشگاه تهران.

کانت، ایمانوئل. (۱۳۶۲). سنجش خرد ناب. ترجمه میرشمس‌الدین ادیب‌سلطانی. تهران: امیرکبیر.  
مرتضایی، جواد. (۱۳۹۰). تمثیل، تصویر یا صنعت بدیعی؟. پژوهش‌های زبان و ادبیات فارسی دانشگاه اصفهان، ۳(۴)، ۲۹-۳۸.

موحد، عبدالحسین. (۱۳۸۲). طنز و خلاقیت. فصلنامه پژوهش‌های ادبی، ۱(۲)، ۱۵۷-۱۷۰.

مولوی، جلال‌الدین محمد. (۱۳۹۰). مثنوی معنوی. به کوشش توفیق سبحانی. تهران: سازمان چاپ و انتشارات.

نظامی، الیاس بن یوسف. (۱۳۸۸). خسرو و شیرین. تصحیح و حواشی حسن وحید دستگردی. تهران: نشر قطره.

\_\_\_\_\_ (۱۳۸۴). کلیات خمسه. تهران: امیرکبیر.

نظیری نیشابوری، محمدحسین. (۱۳۷۹). دیوان. با تصحیح و تعلیقات محمدرضا طاهری. تهران: نگاه.

نقیسی، آذر. (۱۳۶۸). آشنایی زدایی در ادبیات. کیهان فرهنگی، ۶(۲)، ۳۴-۳۷.

وفایی، عباسعلی و آقابابایی، سمیه. (۱۳۹۲). بررسی کارکرد تمثیل در آثار ادبی تعلیمی. پژوهشنامه ادبیات تعلیمی، ۵(۱۸)، ۲۳-۴۶.

## References

- The Holy Quran. (2002). Translated by Fooladvand, M. M. Qom: Holy Quran Publications. [In Persian]
- Attar, F. (2009). *Asrarname*. Introduction, Correction and Comments by Shafiee, M. R. Tehran: Sokhan. [In Persian]
- \_\_\_\_\_. (2010). *Manteg Otteyr*. Introduction, correction and comments by Shafiei-Kadkani, M. R. Tehran: Sokhan. [In Persian]
- Abdi, S. Sh. (2010). Satire in the Articles of Abdullah Nadim and Chakrand Parand Dehkhoda. *Quarterly Journal of Comparative Language and Literature Research*, 1(3), 109-132. [In Persian]
- Biddle, A. (2010). *Diwan (2 volumes)*. By the efforts of Behdarvand, A. Tehran: Negah. [In Persian]
- Fotohi, M. (2005). Allegory (Nature, Types, Function). *Journal of the Faculty of Literature and Humanities*, 12&13(47-48), 141-178. [In Persian]
- \_\_\_\_\_. (2007). *Image Rhetoric*. Tehran: Sokhan. [In Persian]
- Foroughi, M. (2005). *The Course of Wisdom in Europe*. Tehran: Zavar. [In Persian]
- Ghobadiani, A. (2005). *Diwan*. Edited by Minavi, M. and Mohaghegh, M. Tehran: University of Tehran. [In Persian]
- Hakim Azar, M. (2011). The Style of Equation in Saadi's lyric. *Journal of Educational Literature*, 3(9), 163-184. [In Persian]
- \_\_\_\_\_. (2016/1). Discussion on Allegory Simile and its Function in Saeb Tabrizi's sonnet. *Literary Techniques*, 8(2), 117-136. [In Persian]

- \_\_\_\_\_. (2016/1). A Look at the Style of Equation in Saeb's poetry. *Literary Criticism and Stylistics Research*, (3), 87-106. [In Persian]
- Hafiz, Sh. (2006). *Diwan*. Edited and Corrected by Ayouzi, R. Tehran: Amirkabir. [In Persian]
- Jorjani, A. (1995). *Asrarolblaghe*. Translated by Jalil Tajlil. Tehran: Morvarid. [In Persian]
- Khosravi, H. (2010). Equation Style in Poetry. *Poetry Magazine*, (69), 58-62. [In Persian]
- Kant, I. (1983). *Pure Wisdom Measurement*. Translated by Mirshamsuddin Soltani, A. Tehran: Amirkabir. [In Persian]
- Mortezaei, J. (2011). An Allegory, an Image or a Novel Industry?. *Persian Language and Literature Research, University of Isfahan*, (4), 29-38. [In Persian]
- Movahed, A. (2003). Humor and Creativity. *Journal of Literary Research*, (2), 157-170. [In Persian]
- Mawlawi, J. (2011). *Masnawi Manawi*. Tawfiq Sobhani. Tehran: Printing and Publishing Organization. [In Persian]
- Nizami, E. (2009). *Khosrow o Shirin*. Edited and Annotated by Dastgerdi, H. V. Tehran: Drop Publishing. [In Persian]
- \_\_\_\_\_. (2005). *Generalities of the Five*. Tehran: Amirkabir. [In Persian]
- Naziri Neyshabouri, M. (2000). *Diwan*. With Corrections and Comments by Taheri, M. R. Tehran: Negah. [In Persian]
- Nafisi, A. (1989). Familiarization in Literature. *Cultural Universe*, 6(2), 34-37. [In Persian]
- Saadi, M. (2002). *kolliyyat*. By Foroughi, M. A. Tehran: AmirkabirA [In Persian]
- \_\_\_\_\_. (2001). *Golestan*. Corrected by Foroughi, M. A. Tehran: Ghoghnos. [In Persian]
- Shafi'i Kadkani, M. (2012). *The Resurrection of Words*. Tehran: Sokhan. [In Persian]
- \_\_\_\_\_. (2001). *Surkhayal in Persian Poetry*. Tehran: Agah. [In Persian]
- Shamisa, S. (2010). *Literary Types*. Tehran: Mitra. [In Persian]
- \_\_\_\_\_. (2006). *Expression*. Tehran: Mitra [In Persian]
- Shiri, G. (2010). A New Allegory and Image of its Functions and Types. *Exploration Quarterly*, 11(20), 33-54. [In Persian]
- \_\_\_\_\_. (2003). *Storytelling, Methods and Characteristics*. Tehran: Paya. [In Persian]

- Saeb, M. (1996). *Diwan* (6 volumes). By the Efforts of Ghahraman, M. Tehran: Scientific and Cultural' [In Persian]
- Vafaie, A., S. (2013). Study of the Function of Allegory in Educational Literary Works. *Journal of Educational Literature*, 5(18), 23-46. [In Persian]
- Zulfiqari, H. (2007). Study of the Structure of Proverbs. *Quarterly Journal of Literary Research*, 4(15), 31-62.



استناد به این مقاله: بافکر، سردار. (۱۴۰۱). کارکردهای هنری و تعلیمی تمثیل. متن پژوهی ادبی، ۲۶(۹۴)، ۳۲۳-

doi: 10.22054/LTR.2020.42784.2704 ۳۵۲



Literary Text Research is licensed under a Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License.